

کرامت انسان در سیره امام رضا (ع)

محسن نورایی*

استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران

حدیثه سلیمانی**

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۲/۲۲؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۴/۱۷)

چکیده

شناخت انسان و بررسی ابعاد و شئون مختلف او مورد اهتمام ادیان، مکاتب و شماری از رشته‌های علوم بشری است. «کرامت ذاتی انسان» به معنای شرافت، بزرگی و والایی او، نقطه تلاقی بسیاری از انگاره‌های انسان‌شناسانه است. نوشتار پیش رو، پژوهشی کتابخانه‌ای و اسنادی است که به روش توصیفی - تحلیلی سامان یافته است و می‌کوشد تا با تمرکز بر سیره هشتمین پیشوای شیعیان، امام علی بن موسی الرضا (ع) برخی از ابعاد کرامت انسان را در کلام گهربار و رفتار تابناک آن حضرت به بحث بگذارد. یافته‌های پژوهش حاکی از جایگاه ویژه کرامت انسان در سیره امام رضا (ع) است. همچنان که این یافته‌ها بیانگر تمایز این دیدگاه با دیدگاه‌های رقیب و غیر وحیانی است. مهم‌ترین ویژگی‌های نظریه کرامت انسان در سیره امام عبارتند از: برخورداری از صبغه توحیدی، سازگاری با دیگر آموزه‌های اخلاقی، اعتدال و میانه‌روی، برخورداری از ضمانت اجرایی درونی و جامع‌نگری.

واژگان کلیدی: سیره اهل بیت (ع)، امام رضا (ع)، انسان‌شناسی، کرامت انسان.

* نویسنده مسئول) E-mail: mnoor3@gmail.com

** E-mail: hsolamani@yahoo.com

طرح مسأله

«کرامت» به عنوان یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌های انسان مورد توجه و از دیرباز در کانون مطالعات معطوف به انسان قرار گرفته است. این اصطلاح در معنای عام خود بیانگر ارزشمندی و ولایی ذاتی انسان و برتری او نسبت به موجودات دیگر می‌باشد. هر یک از ادیان، مکاتب و علوم بشری مانند دانش حقوق، فلسفه، علوم تربیتی از زاویه خاص به این موضوع نگریسته‌اند و ابعاد مختلف آن را بررسی نموده‌اند. و به کرامت ذاتی انسان تصریح نموده، خواستار حفظ و پرورش و تعالی این موهبت الهی می‌باشند. حقوق دانان نیز با جعل اصطلاح (Human dignity) فصل جدیدی از مطالعات حقوقی را گشوده و بر ضرورت توجه به کرامت انسان به مثابه پایه و بنیان بسیاری از مواد حقوقی اصرار می‌کنند (برای آگاهی بیشتر، ر.ک؛ صادقی، ۱۳۸۵: ۱۳۸-۱۱۷ و رحیمی‌نژاد و حبیب‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۳۴-۱۱۵). فیلسوفان و شاعران نیز به مضمون کرامت انسانی پرداخته‌اند (برای آگاهی از برخی موارد، ر.ک؛ آساتوریان و آل‌عصفور، ۱۳۸۶: ۴۶-۲۷). همچنین بند ششم از اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی به اهمیت کرامت انسان اشاره و آن را به همراه اصول بنیادین اسلام مانند توحید، نبوت و معاد ذکر نموده است. در این میان گفتار و رفتار گزارش شده از معصومان (ع) به‌ویژه سیره تابناک حضرت امام رضا(ع) که به حق ترجمان قرآن هستند منبعی غنی و سرشار برای بازخوانی کرامت انسان است. این مقاله گوشه‌ای از معارف ولایی رضوی را در باب کرامت انسان بحث و بررسی می‌نماید.

الف) کرامت انسان

شایسته است پیش از ورود به بخش اصلی نوشتار، نخست معنای لغوی و نیز کاربرد قرآنی واژه کرامت بررسی و آنگاه برخی توضیحات تکمیلی در این باره ذکر گردد.

۱) معنای لغوی «کرامت»

واژه «کرامت» از ماده (ک ر م) و مصدر است. در فرهنگ‌های لغت معانی گوناگونی برای این واژه ذکر شده است؛ مانند بزرگی و ورزیدن، ارجمندی و بخشندگی. ابن‌منظور نوشته است: «کریم اسم است برای چیزی یا کسی که همه اوصاف ستودنی را در خود داشته باشد. این واژه متضاد لثیم است. این صفت در اصل بر انسان اطلاق می‌گردد، اما گاه در کاربرد عام خود برای موارد دیگری نیز

به کار رفته است و برای وصف موجودات دیگر مانند اسب، شتر و درخت نیز به کار گرفته می‌شود» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲: ۷۴-۷۵).

راغب اصفهانی به کاربرد دوگانه این واژه اشاره نموده، نوشته است: «هرگاه خداوند با این واژه وصف گردد، اسم است برای احسان و بخشش خداوند متعال، و هرگاه انسان با این واژه وصف گردد، مقصود از آن اسم برای اخلاق و افعال پسندیده است» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق: ۴۲۸).

طریحی نیز با اندکی تفاوت در تعبیر چنین نگاشته است: «کریم صفتی است که بر چیزی که رضایت عقلاء را متوجه به خود نماید، اطلاق می‌گردد» (طریحی، ۱۳۹۵ق، ج ۶: ۱۵۲). برخی محققان معاصر نیز پس از ملاحظه کاربردهای گوناگون این واژه در قرآن کریم، روح معنایی کرامت را چنین شناسانده‌اند: «اصل واحد در این ماده، آن معنایی است که مقابل معنای پستی قرار گرفته و متضاد آن محسوب می‌شود» (مصطفوی، ۱۴۱۶ق، ج ۶: ۱۴۸).

با توجه به آنچه گذشت، می‌توان گفت کرامت به معنای نزهت و پیراستگی از پستی و فرومایگی است. به عبارت دیگر کرامت انسان یعنی بزرگی و نزهت روح و گوهر جان او از هر پستی (ر.ک؛ جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۲: ۲۲-۲۱؛ و یدالله پور، ۱۳۸۸: ۱۴۱-۱۱۹).

۲) کرامت انسان در قرآن

شاخص‌ترین آیه برای پیگیری موضوع کرامت انسان، آیه هفتادم سوره مبارکه اسراء است که می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ ما آدمیزادگان را گرمی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا (بر مرکبهای راهوار) حمل کردیم و از انواع روزیهای پاکیزه به آنان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم».

این آیه نگاه اصلی قرآن به انسان را می‌نمایاند و در آن سخن از آفرینش انسان و امتیاز او بر دیگر موجودات است. آیه آشکارا بیان می‌کند که کرامت، موهبتی الهی برای انسان است که او را از دیگر موجودات متمایز نموده است و مایه برتری او نسبت به دیگران می‌باشد.

دیدگاه مرحوم علامه طباطبائی (ره) درباره اینکه مقصود از این کرامت چیست و شامل کدام یک از انسان‌ها می‌شود، حایز اهمیت و برای بحث مورد نظر بسیار راهگشاست. مقصود از آیه، بیان حال

همه انسان‌ها با قطع نظر از کرامت الهی و قرب و فضیلت روحی خاص برای پاره‌ای از افراد است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳: ۱۵۶).

پس این کلام شامل مشرکان، کافران و فاسقان هم می‌شود و گرنه مفهوم امتنان و عتاب تحقق پیدا نمی‌کند. بنابراین، مقصود از تکریم، تخصیص یافتن چیزی است که به وی (انسان) اختصاص یافته است و در غیر آن یافت نمی‌شود» (سلطانی، ۱۳۸۷: ۳۰؛ نیز برای آگاهی بیشتر در این باره، ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۲۱-۲۲ و رحمانی زروندی، ۱۳۸۹: ۳۵-۵۲).

استاد جعفری نیز ذیل این آیه چنین نگاه‌شده است: «این آیه با کمال صراحت اثبات می‌کند که خداوند متعال فرزندان آدم را ذاتاً مورد تکریم و آنان را بر مقداری فراوان از کائنات برتری داده است. به همین دلیل، قاطع و صریح، افراد انسانی باید این کرامت و حیثیت را برای همدیگر به عنوان یک حق بشناسند و خود را برابر آن حق مکلف ببینند (جعفری، ۱۳۸۹: ۸۰).

۳) انواع کرامت

یکی از نکات مهم در بحث کرامت انسان، توجه به انواع کرامت است. بر اساس نظر برخی عالمان مانند علامه جعفری و هم‌فکرانش، کرامت انسان به دو نوع کرامت ذاتی و کرامت اکتسابی تقسیم می‌شود. منظور از کرامت ذاتی، آن کرامت و والایی است که همه انسان‌ها از آن برخوردارند و تا زمانی که با ارتکاب جنایت و دست‌یازی به خیانت آن را زایل نکنند، کرامت آنان باقی است. مقصود از کرامت ارزشی کرامتی است که از به کار انداختن استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی و نیز از رهگذر تکاپو در مسیر رشد و کمال برانگیخته می‌شود. این نوع کرامت، کرامت اکتسابی و اختیاری است و ارزش غایی و نهایی انسان به همین نوع کرامت است (ر.ک؛ همان: ۲۷۹).

ب) کرامت انسان در سیره امام رضا (ع)

اکنون پس از مرور اجمالی مباحث مربوط به مفهوم‌شناسی، در بخش دوم نوشتار به بررسی برخی ابعاد کرامت انسان در سیره آن امام همام پرداخته می‌شود. یادآوری این نکته بایسته است که در این مقاله برخی از موارد منقول از سیره آن حضرت بررسی شده است. امید است در مجال دیگری بررسی کامل از سیره ایشان صورت گیرد.

(۱) خاستگاه کرامت

یکی از نکته‌های اساسی که باید به آن پرداخت، تعیین خاستگاه و منشاء کرامت انسان است. انسان‌ها به چه دلیل کرامت دارند و منشاء کرامت ایشان چیست؟ یا به تعبیر دیگر، آدمی کرامت را از چه منبعی دریافت نموده است؟

با دقت در متون دینی روشن می‌شود که ریشه و بنیان کرامت انسان، مبتنی بر اعتقاد ژرف به توحید و ایمان به خداوند متعال و برابری ذاتی انسان‌ها است. درنگ در این متون بیانگر آن است که آدمی کرامت را از جانب آفریدگار خود دریافت نموده است. او به این دلیل شرافت ذاتی دارد که مخلوق و مصنوع خداوند متعال است. نکته دیگر، تساوی تمام آدمیان در این ویژگی است؛ زیرا همگان مخلوق خدایند و به یک اندازه به او محتاج و نیازمندند. همه آنان سخت محتاج نگاه مهربانانه آفریدگار خود می‌باشند. تنها مایه برتری میان انسان‌ها و عامل برتری معنوی، تقوا و پایبندی به احکام تابناک الهی است.

توضیح بیشتر اینکه بر اساس آموزه‌های قرآنی، همه موجودات آفریده خداوند و مقهور اویند: «... قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ: ... بگو: خدا خالق همه چیز است؛ و اوست یکتا و پیروز» (الرعد/۱۶)؛ آنها همگی نیازمند خداوند متعال هستند و هیچ برتری نسبت به یکدیگر ندارند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ: ای مردم شما (همگی) نیازمند به خدایید و تنها خداوند است که بی‌نیاز و شایسته هر گونه حمد و ستایش است» (فاطر/۱۵)؛ هیچ انسانی از آن نظر که انسان است، بر شخص دیگر ترجیح ندارد و برتر از او نیست و سرانجام اینکه تقوا، تنها ملاک برتری یک فرد نسبت به دیگری است: «... إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ: ... گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است» (الحجرات/۱۳).

این چارچوب اعتقادی که قرآن ترسیم نموده از یک سو تفاوت‌های ظاهری مانند تفاوت در نژاد، جغرافیا، زبان و موارد مشابه را نفی نموده است و از سوی دیگر، آحاد جامعه انسانی را - علی‌رغم تفاوت‌های ظاهری‌شان - به هم پیوند داده است و آنان را مانند یک واحد منسجم می‌شناساند. بدین سان، ایمان به خدا و اعتقاد بنیادین توحیدی جایگزین عوامل و عناصر تفرقه‌انگیز مادی و

خود عامل اساسی هم‌گرایی انسان‌ها و زمینه‌ساز تحقق اندیشه کرامت انسانی است. آری انسان‌ها با یکدیگر برابرند و در عرصه کرامت و ارزش ذاتی هیچ تفاوتی میانشان نیست.

اهمیت بیشتر این عامل هنگامی روشن می‌شود که به یاد بیاوریم تأکید بر عناصر مذکور مانند زبان و جغرافیا شاید گروه اندکی را گرد هم جمع نماید، ولی هیچ‌گاه نمی‌تواند عامل یکسان‌سازی و برابری بشر در مقیاس جهانی محسوب گردد، بلکه تأکید زیاد بر این عوامل خود عامل تفرقه و ستیزه‌جویی و نزاع میان ملت‌ها خواهد بود.

به گزارش کوتاه اما بسیار گویای ذیل دقت نمایید: «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّلْتِ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَلْخِ قَالَ: كُنْتُ مَعَ الرَّضَا (ع) فِي سَفَرِهِ إِلَى خُرَّاسَانَ فَدَعَا يَوْمًا بِمَائِدَةٍ لَهُ فَجَمَعَ عَلَيْهَا مَوَالِيَهُ مِنَ السُّودَانِ وَغَيْرِهِمْ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ لَوْ عَزَلْتَ لَهُمْ يَوْمًا مَائِدَةً فَقَالَ مَهْ إِنَّ الرَّبَّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَاحِدٌ وَالْأُمَّ وَاحِدَةٌ وَالْأَبُّ وَاحِدٌ وَالْجَزَاءُ بِالْأَعْمَالِ: ... با امام رضا (ع) در سفر به خراسان همراه بودم. روزی سفره‌ای طلبید و تمام خدمتکاران و غلامان را نزدش فراخواند. گفتم: فدایتان شوم، کاش برای اینان سفره‌ای جداگانه می‌انداختید! فرمود: دست بردار! خدای همه ما یکی است، پدر و مادر همه یکی است و پاداش نیز به اعمال است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸: ۲۳۰ و مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۹: ۱۴۱).

بخش پایانی این روایت بسیار گویاست و خواننده را از هر توضیح بیشتری بی‌نیاز می‌نماید. توجه شود بر این سخن امام (ع) که می‌فرمایند: «إِنَّ الرَّبَّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَاحِدٌ وَالْأُمَّ وَاحِدَةٌ وَالْأَبُّ وَاحِدٌ وَالْجَزَاءُ بِالْأَعْمَالِ».

۲) ملاک‌های کسب کرامت

یکی از مباحثی که لازم است در این مقاله بدان پرداخته شود، اینکه راه‌های کسب کرامت انسانی چه چیزهایی است. در سیره امام رضا (ع) نمونه‌های فراوانی از این موارد یافت می‌شود که شایسته توجه و بهره‌گیری است؛ به عنوان مثال به سه مورد از آنها اشاره می‌شود:

۲-۱) مودت اهل بیت (ع)

در احتجاج طبرسی نقل شده است: «در زمان ولایت عهدی امام رضا (ع) جمعی برای استفاده از محضرش از راه دور به مرکز خلافت آمدند و اذن دخول خواستند تا ایشان را ملاقات کنند، ولی ایشان (ع) مخالفت کردند. این جمع تا دو ماه هر روز خواستار ملاقات بودند، ولی با عدم پذیرش امام (ع) مواجه می‌شدند تا اینکه یک روز برای ایشان (ع) پیام فرستادند: ما شیعه پدر تو علی بن ابی طالب، علیه‌السلام، از منازل بعیده به آرزوی ملاقات شما به این شهر آمدیم و الحال، دو ماه متوالی الايام و اللیالی منصرف و منقضی شد که هر روز به آرزوی ادراک ملازمت سامی گرامی به آستان ملایک پاسبان آمده‌ایم و محروم و مأیوس مراجعت می‌نماییم! الحال، کار به جایی رسید که دشمنان به ما شماتت می‌نمایند از آنکه شما در حجاب از مایید و ما با کمال حزن و اضطراب از آستان خورشید احتجاب شما معاودت به منزل و مأب می‌نماییم. اگر این کثرت ما محرومان را ادراک ملاقات ذات فایض البرکات آن امام البریات میسر نگردد، همان که از آستان ایشان مراجعه به محل و مقام نماییم، از خجالت که به ما رسید و عجزی که از تحمل غصص ألم مهاجرت آن حضرت به ما ملحق گردید، به وسیله شماتت اعدا و قلت احسان و عنایت احباً ترک منازل و اوطان و ولایت خود نموده، فرار بر قرار اختیار خواهیم کرد؛ زیرا که ما را طالع عاق و طاقت طاق شده و کلام الفراز مِمَّا لَا يُطَاقُ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ کلام صدق التیام سخن برگزیدگان ایزد علام است».

در این زمان، امام (ع) به آنها اذن حضور دادند، ولی ابتدا حضرت رضا (ع) از آنها اقرار به محبت اهل بیت (ع) و عمل به فرمان آنها و دشمنی با دشمنانشان گرفت، سپس آنها را به نزدیک‌ترین مکان به خودش فراخواند و مورد لطف قرار داد. پس به دربان خود فرمود: «چند مرتبه منع ایشان نمودید؟ دربان گفت: یا حضرت! حَسَبَ الْحُكْمِ شِصْتِ مَرْتَبَةِ مَنَعِ إِيشَانِ نَمُودِم. حضرت فرمود: که شصت مرتبه متوالیه به نزد آن جماعت رفته سلام کن و سلام من نیز به ایشان رسان. به درستی که محو گناهان ایشان به استغفار و توبه آن جماعت شده و این طایفه به وسیله موالات و محبت ما مستحق کرامت گشتند. باید که تفقد امور ایشان و امور عیال ایشان نمایی و دفع معرات و اذیات از ایشان نموده، در نفقات و صلوات و احسان و مبرات آن جماعت در وسعت بیفزایی» (طبرسی، ۱۴۰۳ق.، ج ۴: ۱۹۴-۱۸۹). بنابراین، با مودت و دوستی با اهل بیت (ع) است که انسان به کمال جایگاه انسانی و کرامت خویش دست می‌یازد.

۲-۲) اطاعت از حق و پذیرش ولایت مطلقه او

یکی دیگر از راه‌های حصول کرامت، اطاعت مطلق از خداوند و پذیرفتن ولایت اوست. از ابراهیم بن عباس صولی نقل شده است: «من هرگز ندیدم که امام رضا (ع) کسی را با سخن رنجانده باشد و هرگز ندیدم که او سخن کسی را قطع کرده باشد... مردی به ایشان گفت: به خدا سوگند که بر روی زمین بزرگوارتر و شریف‌تر از پدرانیت یافت نمی‌شود. فرمود: تقوا آنان را شرافت بخشیده... ایشان به ابالصلت فرمود: ای عبدالسلام! آیا تو نیز همچون دیگران منکر آن هستی که خداوند عزّ و جلّ ولایت ما را واجب گردانده است؟ گفتم: معاذاً بالله! من به ولایت شما اعتراف دارم.»

آن حضرت چنین اتهامی را که دشمنان می‌خواستند از طریق آن به ایشان توهین روا دارند، رد می‌کند و آن را در شمار ستم‌هایی که امت در حق‌شان روا داشته، آیات قرآنی است که هیچ کس را بر دیگری جز به تقوا، برتر نمی‌داند: «بَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ...» و امام تأکید می‌کند که خداوند تنها و تنها حق ولایت بر مردم و برخورداری از طاعت آنان را بر ایشان مقرر داشته که آن هم به مصلحت مردم و رهنمونی آنها در راه درست و راستی است که کرامت دنیا و آخرت‌شان را تضمین می‌کند... (ر.ک؛ معروف الحسنی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۳۶۷ و ۳۶۶).

برای به دست آوردن کرامت، باید ولایت مطلق خداوند را در جهان پذیرفت و در هر حال از او پیروی کرد تا کرامت انسان حاصل شود.

۲-۳) عبادت و بندگی

یکی دیگر از راه‌های کسب کرامت در گفتار امام رضا (ع)، انجام عبادات است. امام (ع) در یک مورد با ذکر فضایل روزه‌داری و اعمال ماه شعبان به عنوان یک مصداق اطاعت و بندگی چنین فرمودند: «کسی که روزه بدارد از شعبان یک روزی از جهت طلب ثواب خدای تعالی در رود در بهشت، و کسی که استغفار کند خدای را در هر روزی از شعبان هفتاد بار حشر کرده شود در روز قیامت در زمره رسول الله (ص) و واجب شود از خدای تعالی کرامت برای او، و هر که تصدق کند در شعبان به صدقه و اگر چه یک خرما باشد، حرام گرداند حق تعالی جسد او را بر آتش...» (محدث اربلی، ۱۳۸۲، ج ۳: ۱۲۳).

۳) بهای آبرو

یکی از موقعیت‌هایی که عزت نفس و کرامت انسان‌ها تهدید می‌شود، هنگامی است که فرد متمکن در شرایط ویژه نیازمند مبلغ اندکی گردد. معمولاً مطرح نمودن نیاز و درخواست کمک از سوی چنین افرادی برایشان گران و دشوار است! این اشخاص افزون بر رنج فقر و ناداری از آشکار شدن نیازشان نزد دیگران سخت نگران و از نقصان کرامت و عزت خود بس رنجور می‌شوند. چگونگی رفتار سنجیده و انسانی و والای امام رضا (ع) را در گزارش یسع بن حمزه بنگرید: «به همراه جمعیت فراوانی در محضر امام رضا (ع) بودم و با ایشان گفتگو می‌کردم. مردم نیز از احکام شرعی و حلال و حرام می‌پرسیدند. در این میان شخص بلند قامت و گندم‌گونی وارد شد. پس از عرض سلام، خود را معرفی کرد و گفت از شیعیان شما هستم که از دیار خود به حج مشرف شده‌ام و اکنون خرجی راهم را گم کرده‌ام. از شما درخواست کمک دارم تا به شهرم برسم، و چون مستحق دریافت صدقه نیستم، پس از رسیدن به دیارم آن مبلغ را از طرف شما صدقه خواهم داد.

امام (ع) با تعبیر شیرین و دلنشین «رحمک الله» از او تفقد نمود و از وی خواست تا بنشیند. قدری گذشت و افراد حاضر در جلسه - جز سه تن - از مجلس برخاستند و رفتند. در این هنگام، حضرت از افراد حاضر رخصت خواست و به افاق دیگر رفت. پس از لختی، دستان مبارک‌شان را از بالای در خارج نمودند و فرمودند: خراسانی - فرد درخواست کننده - کجاست؟ عرض کرد: اینجا هستیم. فرمود: این دویست دینار را بردار و برای سفر و نیز دیگر مخارج صرف نما، و لازم نیست از سوی من صدقه دهی. اکنون بیرون برو تا همدیگر را نبینیم! یکی از حاضران پرسید: فدایت گردم، بدو نیکی کردید و مبلغ زیادی بخشیدید. چرا روی از او پنهان نمودید؟ فرمود: از دیدن نشانه‌های خفت و کوچکی به خاطر درخواست کمک - در چهره او بیم داشتم! مگر سخن گهربار رسول گرامی خدا (ص) را نشنیدی که فرمود هر که نیکی خود را بپوشاند، پادشاه او برابر هفتاد حج است؟!» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۴: ۲۴).

به رفتار امام خوب توجه شود که به شایستگی رنج او را دریافتند و ملاحظه حال او را نمودند و از او خواستند تا همدیگر را نبینند تا مبدا از این مواجهه کرامت انسانی آن فرد خوار و زبون شود و خاطرش آزرده گردد. علاوه بر این، تعبیر دلنشین «رحمک الله»، «تبرک بها» و «لا تصدق بها عنی» بر زیبایی این نگرش انسانی و رفتار کریمانه می‌افزاید.

۴) پاسداشت کرامت فرودستان

امام علی بن موسی الرضا (ع) دو سال پایانی عمر شریف خود را به عنوان ولی عهد مأمون - البته بر اساس رعایت مصالح اسلام - روزگار گذراندند. این بخش از حیات تابناک آن برگزیده الهی، از زوایای گوناگون تاریخی، اجتماعی، سیاسی و ... شایسته بررسی و تأمل است.

به نظر نویسندگان، یکی از این زوایا - که شاید کمتر مطرح شده است - نگرستن به این بخش از سیره آن والامقام به عنوان نمونه عینی و عملی از چگونگی زیست و کیفیت تعامل متدیان در برابر جائران و ظالمان است. آری، همواره مسیر حق و باطل از هم جداست و زندگی حق مداران از ستم پیشه گان متمایز، اما گاه در شرایط ویژه، نیکان از زندگی در کنار فاسقان و جائران و تعامل گسترده با ایشان ناگزیرند؛ مانند حضرت موسی (ع) و آسیه (س) در برابر فرعون و نیز حضرت یوسف (ع) در برابر عزیز مصر.

به راستی، در چنین شرایط دشوار، شیوه درست رفتار خداپسندانه و تعامل صحیح الهی چگونه خواهد بود؟! حدود این روابط کدام است و ابعاد و جزئیات آن به چه شیوه است؟! در چنین هنگام، با بالادستان چه باید کرد و با فرو دستان چه سان رفتار نمود؟! سیره امام رضا (ع) برخی از این زوایا را ترسیم و به بسیاری از این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد. پاسخی که فراتر از گفتار است و در رفتار آن امام نشان داده شده است؛ به عنوان نمونه می‌توان به نوع رفتار با کارگران و خادمان حاضر در زندگی اشرافی سلاطین اشاره نمود. هم ایشان که از نظر اجتماعی از جایگاهی فرو دست برخوردارند و همواره ناگزیرند تا کارهای دشوار و پُرزحمت را انجام دهند. رفتار درست انسانی و الهی با ایشان چگونه است؟! ۱۳۳۲
شماره ۱۲، پاییز
سال ۴، زمستان
سراج منیر

به گزارش یاسر خادم توجه شود آنجا که از روش همیشگی و منش پیوسته مولای خود و بلکه مولای آزادگان عالم، ثامن الحجج، امام رضا (ع)، سخن می‌گوید: «امام (ع) همواره پس از فراغت از کارهای خود، آنگاه که تنها می‌شدند، تمام خدمتگزاران و کارگران اطراف خود از بزرگ و کوچک را گرداگرد وجودش جمع می‌نمودند، با ایشان سخن می‌گفتند و انس می‌گرفتند. هر زمان در کنار سفره می‌نشست، بزرگ و کوچک را فرامی‌خواندند و در کنار خود می‌نشاندند. حتی متصدیان اصطبل و رگزن را» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۱۵۹).

فراتر از رفتار والای انسانی و آسمانی مذکور، رفتاری است که یاسر خادم در روایتی دیگر بازگو نموده است: «امام به خدمتگزاران و کارگران اطراف خود فرمود: اگر من بالای سرتان بودم و شما در

حال خوردن غذا، برنخیزید تا غذایتان پایان پذیرد. بسا می‌شد که امام (ع) برخی از ما را برای کاری فرامی‌خواند، و ما عرض می‌نمودیم: مشغول خوردن غذاست. می‌فرمود: او را واگذارید تا غذایش را بخورد» (کُلینی، ۱۳۶۵، ج ۶: ۲۹۸). در موردی دیگر نقل شده است: «شخصی - که امام رضا (ع) را نمی‌شناخت - پس از ورود امام به حمام، از آن حضرت خواست تا وی را کیسه بکشد. حضرت نیز چنان کرد. پس از لحظاتی که امام را شناخت از ایشان عذزخواهی کرد، اما امام کریمانه به وی دلداری دادند و همچنان او را کیسه می‌کشید» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۴۹: ۹۹).

به راستی قلم و نوشتار توان ترسیم عظمت این همه پایبندی به کرامت انسان‌ها و قدرت بازگویی والایی انسان و انسانیت در سلوک امام را ندارد. بایسته این است که چنین نمونه‌هایی الگوی مسلمانان قرار گیرد و شایسته آن است که با ادبیاتی درخور به جهانیان عرضه گردد. تا جهانیان شکوه کرامت انسان را نه تنها در قالب شعار، بلکه در قالب رفتار و عمل ملاحظه نمایند.

۵) با دشمنان مدارا

نحوه برخورد معصومان (ع) با دشمنان و مخالفان از ابعاد قابل توجه در سیره آسمانی ایشان است. منطق حاکم بر سیره تابناک ایشان با منطق مقبول در رفتار توده مردم متفاوت است، چه اینکه معمولاً مردم در چنین موارد، پای از مرز اخلاق فراتر نهاده، می‌کوشند تا به هر گونه ممکن، رفتار قهرآمیز و کوبنده‌ای از خود بروز دهند و به اصطلاح رایج انتقام بگیرند.

اکنون نه در مقام شناسایی و معرفی کامل این بخش از سیره معصومان (ع)، بلکه تنها از منظر رعایت و پاسداشت کرامت انسانی، نگاهی به سیره آن یگانه دوران اندخته می‌شود. چنین به نظر می‌رسد که رفتار آن گرامی‌مرتب در برابر با «جلودی» میان گفتگو با مأمون مورد مناسب و نمونه‌ای گویاست. جلودی از درباریان عباسی و از مأموران سفاک ایشان بود و سابقه فراوانی را در خوش خدمتی به ایشان در کارنامه خود داشت. او در پایان عمر - به همراه چند شخص دیگر - مورد غضب مأمون قرار گرفتند. امام رضا (ع) در جلسه‌ای که مأمون جلودی و همراهانش را مؤاخذه می‌کرد، حضور داشت. وقتی جلودی را - که در دوران کهن‌سالی و فرتوتی بود - وارد جلسه کردند، حضرت آرام به مأمون فرمود: او را به خاطر من ببخش! مأمون که از دست جلودی سخت خشمگین بود و دنبال بهانه‌ای برای نپذیرفتن پیشنهاد امام (ع) می‌گشت، گفت: او همان کسی است که به خانه شما یورش برده، شما و خانواده ارجمندتان را آزرده ساخت. همو بود که زیورآلات خانواده

شریفتان را به قهر و زور به یغما بردا جلودی که تنها گفتگوی امام رضا (ع) و مأمون را از دور می‌نگریست و از متن گفتگویشان بی‌خبر بود، فکر کرد امام در برابر رفتار زشت او نزد مأمون شکایت نموده‌است و خواستار تنبیه و عقوبت سخت اوست. از این رو به مأمون گفت: به پاس خدمات فراوانی که تا کنون برایتان انجام دادم، سوگندتان می‌دهم که سخنان او را دربارهٔ من نپذیرید (ر.ک؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۱۶۱).

پرسش و پاسخ

ممکن است خوانندهٔ ارجمند پس از ملاحظهٔ روایت مذکور و احادیث مشابه آن، از علت و فلسفهٔ این کار امام (ع) بپرسد که چرا حضرت در برابر جلودی چنین رفتاری در پیش گرفت؟ آیا این گونه رفتار سبب افزایش جرأت فاسقان و جسارت افزونتر آنان برای ستم‌پیشگی نیست؟! آیا این نوع رفتار به صورت پنهان و غیر مستقیم به تشویق ظالم و گسترش ظلم و ستم نمی‌انجامد؟! پاسخ مفصل و جامع به این پرسش و موارد همانند آن مجال فراخی می‌طلبد، اما آنچه که می‌توان در این مقال به اختصار گفت اینکۀ اولاً باید در حدود این نوع رفتار امامان (ع) دقت نمود. این موارد معمولاً معطوف به حقوق شخصی ایشان است نه حقوق اجتماعی و یا احیاناً احکام الهی. ثانیاً بر اساس مفاد برخی آیات مانند آیهٔ هشتم سورهٔ مبارکهٔ آل عمران، باید مراقب بود تا ستم و جفای دیگران، انسان را از مرز عدالت بیرون نبرد و پای وی را از این قلمرو بیرون نهد. آیه را بنگرید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت گواهی دهید. دشمنی با جمعیتی شما را به گناه و ترک عدالت نکشانند. عدالت کنید که به پرهیزگاری نزدیکتر است و از (معصیت) خدا بپرهیزید که از آنچه انجام می‌دهید، باخبر است» (المائده/۸). در این آیهٔ شریفه، عدالت به مثابهٔ یک مرز در عرصهٔ تعاملات اجتماعی مشخص شده که نباید از آن عبور نمود. حتی دشمنی و بدی کار طرف مقابل نیز مجوز عبور این مرز نخواهد بود.

رفتار غیر انسانی جلودی سبب نشد تا امام رضا (ع) مقابله به مثل نمایند و کرامت انسانی او را نادیده انگارند. آری، پاسداشت حرمت انسان و حفظ کرامت وی اقتضا می‌کند تا بدی‌های او را نادیده گیرند و خیرخواهانه از مأمون بخواهند تا از خطای او چشم پوشد. جلودی هر چند شخص

ظالمی است و بدکردار، اما به هر حال انسان است و دارای کرامت انسانی و به همین علت شایسته ترحم و حفظ حرمت.

ج) نتیجه‌گیری

- رفتار اهل بیت (ع) به‌ویژه سیره امام رضا (ع) منطبق با قرآن می‌باشد. سیره امام رضا (ع) مفسر قرآن کریم و شارح آیات والایش است.

- توحید، اصلی بنیادین و منشاء شمار زیادی از فرمان‌های اخلاقی اسلام و نیز کرامت انسان است.

- زیستن به شیوه اسلامی بیشترین امکان را برای پایبندی به کرامت انسانی در ابعاد و زوایای گوناگون فراهم می‌نماید.

- جامعه اسلامی و نیز جوامع انسانی سخت نیازمند شناخت، الگوگیری و پیروی از معارف والای اهل بیت (ع) در عرصه‌های مختلف به‌ویژه کرامت انسان می‌باشد.

- قبول ولایت مطلق خداوند و مودت اهل بیت (ع) از جمله راه‌های کسب کرامت انسان می‌باشند.

پی‌نوشت‌ها:

۱- سخن برخی از محققان معاصر نیز شنیدنی است. در این باره بنگرید؛ «مقصود از این کرامت ذاتی، چیزی است که در ذات آدمی و به‌طور تکوینی و طبیعی، نهفته است؛ یعنی زمینه‌های کرامت بالقوه در وجود او به ودیعت نهاده شده است. مراد از کرامت اکتسابی این است که انسان در پرتو تعلیم و تربیت، دفینه‌های عقل و خرد را بیرون می‌ریزد و قوه‌ها را به فعلیت درمی‌آورد» (علوی، ۱۳۷۷: ۳۵).

منابع و مأخذ

قرآن کریم (ترجمه آیه‌الله مکارم شیرازی و مهدی فولادوند).

نهج‌البلاغه. (۱۴۱۴ق.). تحقیق صبحی صالح. قم: هجرت.

- آساتوریان، فارمیک و محمد آل عصفور. (۱۳۸۶). «کرامت انسان و محورهای اصلی آن در مثنوی مولوی». *علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*. دوره ۵۱. شماره ۵۱. صص ۲۷-۴۶.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق.). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
- ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی. (۱۳۷۸ق.). *عیون أخبار الرضا (ع)*. قم: انتشارات جهان.
- جعفری، محمدتقی. (۱۳۸۹). «حق کرامت انسانی». *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)*. دوره ۲۷. شماره ۲۷. ص ۸۰.
- _____ (۱۳۷۹). *حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب*. تهران: انتشارات دفتر خدمات حقوق بین الملل جمهوری اسلامی ایران.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۲). *کرامت در قرآن*. تهران: نشر فرهنگی رجا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۰۴ق.). *معجم مفردات الفاظ القرآن*. تهران: دفتر نشر کتاب.
- رحمانی، محمد. (۱۳۸۹). «کرامت انسان در قرآن و روایات». *کوثر معارف*. دوره ۱۳. شماره ۱۳. صص ۳۵-۵۲.
- رحیمی نژاد، اسماعیل و محمد حبیب زاده. (۱۳۸۷). «مجازات‌های نامتناسب؛ مجازات‌های مغایر با کرامت انسانی». *حقوق*. دوره ۲. شماره ۱۱۵. صص ۱۱۵-۱۳۴.
- سلطانی، محمدعلی. (۱۳۸۷). «کرامت از نگاه قرآن». *آیین پژوهش*. دوره ۱۰۲. شماره ۷۸. ص ۳۰.
- صادقی، محمود. (۱۳۸۵). *کرامت انسانی؛ مبنای منع همانندسازی انسان در اسناد بین‌المللی*. پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی. شماره ۲ و ۳. صص ۱۱۷-۱۳۸.
- طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق.). *المیزان فی التفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ق.). *احتجاج*. ترجمه نظام‌الدین احمد غفاری مازندرانی. تهران: مرتضوی.
- طریحی، فخرالدین. (۱۳۹۵ق.). *مجمع البحرین*. تهران: مرتضوی.

سراج منیر؛ سال ۴، شماره ۱۲، پاییز ۱۳۹۲

علوی، سید ابراهیم. (۱۳۷۷). «کرامت انسانی در عرصه کار». **فرهنگ جهاد**. دوره ۱۱. شماره ۱۱. ص ۳۵

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). **اصول الکافی**. تهران: دار الکتب الإسلامیة.

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق.). **بحار الأنوار؛ الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار**. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

محدث اربلی، علی بن عیسی. (۱۳۸۲). **کشف الغمّه**. ترجمه علی بن حسین زواره‌ای. تهران: اسلامیة.

مصطفوی، حسن. (۱۴۱۶ق.). **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**. تهران: وزارت ارشاد.

معروف الحسنی، هاشم. (۱۳۸۲). زندگانی دوازده امام، علیهم‌السلام. ترجمه محمد مقدّس. تهران: امیر کبیر.

یدالله پور، بهروز. (۱۳۸۸). «معناشناسی کرامت انسان در قرآن». **یژوهش‌نامه علوم و معارف قرآن (پیام جاویدان)**. دوره ۲. شماره ۲. صص ۱۴۱-۱۱۹.